

دیپلماسی حمایتی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۲۰ میلادی

داریوش صفرنژاد^۱

چکیده

اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی جمهوری آذربایجان با ایران باعث شده است که این همسایه شمالی همواره در کانون دیپلماسی حمایتی ایران قرار گیرد. بر این اساس این مقاله درصدد تبیین کمک‌های ایران به جمهوری آذربایجان و پاسخگویی به این دو پرسش اصلی است: گستره کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان پس از استقلال این کشور در سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۲۰ میلادی چه ابعادی را شامل می‌شود؟ دلایل تلاش دولت و رسانه‌های جمهوری آذربایجان برای کتمان یا تقلیل سطوح کمک‌های ایران به جمهوری آذربایجان چیست؟ برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش از چارچوب نظری دیپلماسی حمایتی و روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایران حداقل در ۲۱ حوزه مختلف ملی، دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، دفاعی، انرژی، توسعه‌ای و... به باکو کمک کرده است. کمک‌های مستقیم نظامی در مناقشه قراباغ و تأمین منابع انرژی مورد نیاز جمهوری خودمختار نخجوان از نمونه‌های این حمایت‌ها محسوب می‌شوند. اما علیرغم کمک‌های ایران، دولتمردان جمهوری آذربایجان تلاش کرده‌اند با ایجاد روایت‌های ساختگی و کتمان کمک‌های جمهوری اسلامی ایران، ایران را به‌عنوان تهدید امنیتی برای افکار عمومی در داخل و خارج از کشور آذربایجان نشان دهند.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی حمایتی، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری آذربایجان، قراباغ، قفقاز، رسانه برون‌مرزی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

۱. دکترای مطالعات امنیت ملی، گروه مطالعات امنیت ملی، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

d_safari20@yahoo.com



۱. مقدمه

منطقه قفقاز جنوبی همواره از اهمیت راهبردی و ژئوپلیتیکی ویژه‌ای در چارچوب سیاست بین‌الملل برخوردار بوده است به طوری که قدرت‌های بزرگ همواره درصد نفوذ در این منطقه بوده‌اند. یکی از کشورهای مهم این منطقه جمهوری آذربایجان است که علاوه بر ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، به دلیل وجود اشتراکات تاریخی، تمدنی، فرهنگی و مذهبی از اهمیت فزاینده‌ای در معادلات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. کارشناسان بر این باورند که ۹۶ تا ۹۸ درصد از مردم جمهوری آذربایجان را مسلمانان تشکیل می‌دهند که بخش اعظمی از آن‌ها نیز شیعیان هستند. پس از ایران، کشور جمهوری آذربایجان به لحاظ درصد جمعیتی، دومین جامعه بزرگ شیعه در جهان را داراست و در واقع عامل مذهب، عنصر اصلی پیوند دو کشور است. علاوه بر آن ایران و جمهوری آذربایجان در تاریخی به قدمت هزار سال در چارچوب یک هویت واحد زیسته‌اند و حتی تجاوز روس‌ها و جداسازی این بخش از خاک ایران نیز، با وجود گذشت نزدیک به دو قرن و روی کار آمدن حکومت‌هایی که در سیاست‌های خود اسلام‌ستیزی و ایرانی‌ستیزی را به‌منظور شکل دهی به هویتی جدا از ریشه‌های تاریخی و مذهبی مردم این منطقه در دستور کار قرار داده‌اند، نتوانسته میراث تاریخی و فرهنگی مشترک مردم دو کشور را به حاشیه براند. برگزاری جشن‌ها و آئین‌های نوروزی و وجود شاعران و بزرگانی نظیر نظامی گنجوی و خاقانی شیروانی و اندیشمندان مسلمانی نظیر لنکرانی و نخجوانی و صدها نمونه دیگر شاهدی بر این مدعاست. وجود ریشه‌های تاریخی و فرهنگی میان ایران و جمهوری آذربایجان در مقایسه با دیگر زمینه‌ها بستر مساعدتری برای توسعه روابط دو طرف فراهم می‌کند. با توجه به وجود همین ریشه‌های مشترک، جمهوری اسلامی ایران همواره تلاش کرده است به ایجاد رابطه‌ای بر پایه حسن همجواری و اعتماد متقابل در قبال جمهوری آذربایجان مبادرت ورزد.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نقطه عطفی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه قفقاز از جمله جمهوری آذربایجان به حساب می‌آید. جمهوری آذربایجان در ۳۰ آگوست ۱۹۹۱ میلادی (۸ شهریور ۱۳۷۰ هجری شمسی) اعلام استقلال کرد. همزمان در راستای پشتیبانی از استقلال این کشور، جمهوری اسلامی ایران در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ میلادی (آذر ۱۳۷۰ هجری شمسی) جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت و برقراری روابط رسمی میان دو کشور در مارس ۱۹۹۲ میلادی (اسفند ۱۳۷۰ هجری شمسی) آغاز شد و سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران که از قبل و در زمان اتحاد جماهیر شوروی در باکو برقرار بود، به سفارت ارتقاء یافت. اشتراکات

تاریخی، تمدنی و فرهنگی، برخورداری از دین و مذهب مشترک و همجواری از جمله مواردی است که بی‌تردید نزدیکی و گرایش دو ملت را در پی دارد. از همان ابتدا جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ دیپلماسی حمایتی، از طرق گوناگون سعی در گسترش روابط و همکاری‌های نزدیک با این کشور در حوزه‌های مختلف داشت. جمهوری اسلامی ایران و ایرانی‌ها از ابتدای استقلال آذربایجان تا به امروز یار و یاور روزهای سخت در این کشور بوده و در ابعاد و انجای مختلف از هیچ کمکی به این جمهوری دریغ نورزیده است. این پژوهش قصد دارد در قالب رویکردی رسانه‌ای به دیپلماسی حمایتی و ابعاد کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان از آغاز استقلال این کشور تا سال ۲۰۲۰ میلادی پرداخته و در ادامه با بررسی دلایل رویکرد غیر دوستانه حاکمان جمهوری آذربایجان در قبال ایران، توصیه‌ها و راهکارهایی را برای رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما برای مقابله با تبلیغات منفی در جمهوری آذربایجان که بخش عمده‌ای از آن از طریق رسانه‌های این کشور صورت می‌پذیرد، ارائه نماید.

با وجود تمامی این تلاش‌ها دولت جمهوری آذربایجان از زمان استقلال خود در ۱۹۹۱ میلادی تاکنون غالباً سیاست‌ها و رویکردهای غیر دوستانه‌ای در قبال ایران اتخاذ کرده است. از نظر مقامات این کشور، مهم‌ترین چالش امنیتی آذربایجان، تجاوز ارمنستان به خاک این کشور است. لذا در جریان مناقشه قراباغ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان، علی‌رغم کوشش‌های ایران در جهت حمایت از آن کشور، مقامات آذربایجان با بزرگنمایی واکنش ترکیه که به قطع رابطه با ارمنستان مبادرت ورزیده بود - بدون در نظر گرفتن روابط خصمانه دیرینه دو کشور در مسئله قتل عام ارامنه توسط ترک‌ها - عدم قطع روابط بین تهران و ایروان را به‌عنوان نشانه‌ای از حمایت ایران از ارمنستان برای افکار عمومی ترسیم کردند. در حقیقت این مسئله صرفاً بهانه‌ای بود تا مقامات باکو بدان وسیله با ترسیم تصویری جانبدار و متخاصم از جمهوری اسلامی ایران به طرح ادعاهایی نظیر مالکیت بر آذربایجان ایران و حمایت از تحرکاتی از این دست پرداخته و برای امنیت خود به توسعه هرچه بیشتر روابط با غرب به‌خصوص رژیم اسرائیل و آمریکا بپردازد. اسرائیل نیز تلاش کرده است با استفاده از بستر فراهم شده ضمن افزایش نفوذ خود در آذربایجان از امکانات آن برای اقدام علیه ایران استفاده نماید. از سوی دیگر حاکمان جمهوری آذربایجان که گسترش روابط با آمریکا را به‌عنوان راهگشای حل تمام مشکلات این کشور قلمداد می‌کنند، زمینه حضور مستقیم نیروهای آمریکا را در منطقه و در نزدیکی خاک ایران فراهم کرده‌اند. روشن است مهم‌ترین سیاست آمریکا در این منطقه مهار ایران و جلوگیری از نفوذ آن است. با توجه به این که بخش عظیمی از





سیاست‌های مقامات جمهوری آذربایجان بر پایه اتهام‌زنی‌ها و بیان مطالب غیر واقع از مجرای رسانه‌های آن کشور صورت گرفته، فلذا لازم است رسانه‌های برون مرزی صداوسیما با آشکار ساختن دیپلماسی حمایت و ابعاد کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان از زمان استقلال تاکنون، زمینه آگاه‌سازی افکار عمومی را فراهم نمایند و از این طریق به تغییر رویکرد مخرب و غیردوستانه دولت جمهوری آذربایجان منجر شود.

بی‌تردید ریشه‌های مشترک تاریخی، تمدنی، فرهنگی و مذهبی مردم ایران و آذربایجان بستری است که نزدیکی و گرایش دو ملت را در پی دارد. به نظر می‌رسد این مسئله مانع از پیشبرد سیاست‌های ضداسلامی و ضدایرانی مقامات آذربایجان است. فلذا کوشش دارند با استفاده از ابزارهای گوناگون از جمله رسانه با ترسیم تصویری نادرست از جمهوری اسلامی ایران به ایجاد دشمنی و تفرقه بین دو ملت مسلمان مبادرت ورزند. در این راستا هدف اصلی این پژوهش آن است ضمن آشکار ساختن دیپلماسی حمایت و ابعاد کمک‌های جمهوری اسلامی ایران و ایرانی‌ها به ملت و دولت جمهوری آذربایجان بستری را برای رسانه‌های برون مرزی صداوسیما فراهم آورد که از آن طریق به روشن ساختن افکار عمومی این کشور اقدام نمایند.

بر اساس مقدمه ذکر شده، سؤالات زیر مطرح می‌شود:

۱. گستره کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان پس از استقلال این کشور در سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۲۰ میلادی چه ابعادی را شامل می‌شود؟ ۲. دلایل تلاش دولت و رسانه‌های جمهوری آذربایجان برای کتمان یا تقلیل سطوح کمک‌های ایران به جمهوری آذربایجان چیست؟ بر اساس پرسش‌های مذکور، فرضیه‌های زیر مطرح شده‌اند:

۱. جمهوری آذربایجان از بدو استقلال در سال ۱۹۹۱ میلادی تا سال ۲۰۲۰ میلادی همواره از حمایت‌ها و کمک‌های جمهوری اسلامی ایران بهره‌مند بوده است. این حمایت‌ها و کمک‌ها ابعاد سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و انرژی و ارتباطی، فرهنگی، آموزشی، علمی و حوزه سلامت و پزشکی را دربر گرفته است. ۲. گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان همواره با موانعی همراه بوده است که به نظر می‌رسد دلایل آن اتخاذ سیاست‌های ضد ایرانی و ضداسلامی از سوی جمهوری آذربایجان در راستای تلاش برای نزدیکی هرچه بیشتر به غرب بوده است. روش پژوهش در این مقاله تحلیلی - توصیفی و روش گردآوری داده‌ها نیز مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و همچنین مصاحبه عمیق با برخی کارشناسان خبره موضوع و تدوین تجارب آن‌ها است.

۲. پیشینه پژوهش

به دلیل اهمیت قفقاز جنوبی و به خصوص جمهوری آذربایجان برای جمهوری اسلامی ایران، این منطقه موضوع پژوهش‌های بسیاری بوده و مطالعات زیادی در این حوزه صورت گرفته است. در ادامه به بخش اندکی از آن‌ها اشاره خواهد شد. کتاب «جمهوری آذربایجان؛ ۲۳ سال تکاپو برای دولت-ملت‌سازی» (۱۳۹۳) که به کوشش حسین احمدی گردآوری شده است حاوی مجموعه مقالاتی از پژوهشگران پیرامون جمهوری آذربایجان و رفتارهای این کشور در حوزه سیاست خارجی و داخلی، مسائل فرهنگی و دیگر مسائل است که با محوریت روابط و مناسبات جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است. محمود واعظی (۱۳۸۸) در کتابی با عنوان «میانجیگری در آسیای مرکزی و قفقاز: تجربه جمهوری اسلامی ایران» کوشیده با تکیه به تجربیات شخصی و بر اساس دست آوردها و رویدادها به فعالیت‌های میانجیگرانه جمهوری اسلامی ایران بپردازد. بهرام امیراحمدیان (۱۳۸۴) در کتاب «روابط ایران و جمهوری آذربایجان: نگاه آذری‌ها به ایران» در ابتدا کوشیده به بررسی روابط تاریخی ایران و کشور آذربایجان پرداخته و سپس سیاست‌های خارجی و دیدگاه‌های امنیتی جمهوری آذربایجان را تشریح نماید. احمد کاظمی در کتاب «پان‌ترکیسم و پان‌آذربیسیم» (مبانی، اهداف و نتایج)، به ریشه‌یابی سیاست‌های قوم‌گرایانه در جمهوری آذربایجان و ترکیه و تأثیر آن بر روابط باکو-تهران پرداخته است. کتاب «مجموعه اسناد سازمان ملل در رابطه با مناقشه قراباغ» شامل مجموعه‌ای از اسناد سازمان ملل متحد درباره مناقشه ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر منطقه قراباغ است که توسط سعید باقری به فارسی ترجمه شده است.

علاوه بر کتاب‌ها، مقالات بسیاری نیز تاکنون در این حوزه به چاپ رسیده است که در ادامه به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود. مقاله «چالش‌های روابط ایران و جمهوری آذربایجان» نوشته ام‌البین چاپکی (۱۳۸۸)، مقاله «ارزیابی روابط ایران و جمهوری آذربایجان در قرن بیستم» نوشته مهدی امیری (۱۳۸۵)، مقاله «بررسی علت‌های سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان» نوشته محمدجعفر جوادی‌ارجمند و حبیب رضازاده (۱۳۹۳)، مقاله «مناقشه قراباغ و امکان نقش‌آفرینی منطقه‌ای ایران» نوشته الیاس واحدی، مقاله «حضور نظامی آمریکا در جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران» به قلم افشین متقی و عارف بیژن (۱۳۹۴)، مقاله «جایگاه ایران در رسانه،





فرهنگ و هنر رسمی جمهوری آذربایجان» نوشته مهدی نعلبندی (۱۳۸۸)، مقاله «تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران» نوشته علی امیدی و مصطفی خیری (۱۳۹۵) و مقاله «نقش رادیو برون مرزی آذری در تبیین تاریخ مشترک ایران و جمهوری آذربایجان» نوشته محمود ترابی‌اقدم و محمد اخگری (۱۳۹۷) در این زمینه تألیف شده‌اند.

علاوه بر آنچه تاکنون ذکر شد این بحث موضوع تحقیق و پژوهش در پایان‌نامه‌های بسیاری در مقاطع کارشناسی ارشد نیز بوده است. از جمله «عوامل زمینه‌ساز بحران قراباغ و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران» نوشته مهدی محمودزاده و «سیاست خارجی جمهوری آذربایجان در رابطه با جمهوری اسلامی ایران» نوشته محمدجواد حسینی از جمله آن‌هاست. هر کدام از پژوهش‌های نامبرده کوشیده‌اند تا با اتخاذ رویکردی علمی به کلیات و یا بخشی از روابط ایران و جمهوری آذربایجان بپردازند و در این بین با توجه به ضرورت و یا ارتباط موضوعی به بخشی از کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان اشاره شده است. تمایز این پژوهش آن است که قصد دارد با اتخاذ رویکردی رسانه‌ای به‌طور مستقل به دیپلماسی حمایت و ابعاد کمک‌های ایران به جمهوری آذربایجان در چهار حوزه سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی بپردازد.

۳. چارچوب نظری: دیپلماسی حمایتی

دیپلماسی حمایتی کوششی است برای ایجاد بازدارندگی فرهنگی و ایدئولوژیک و بازدارندگی فرهنگی اقدامی است به‌منظور تأمین امنیت ملی (بی‌نیاز، ۱۳۹۱: ۳۶۵). «دیپلماسی حمایتی» موتور محرکه رفع فقر و تمرکززدایی در نظام بین‌الملل است و بیش از هر ابزار دیگر دیپلماسی، مخالف و فرساینده جنگ و خشونت است. همچنین این نوع دیپلماسی موجب شده تا کابوس فاصله‌ها در هم شکسته و ارتباط مستمر میان مردم جهان در اشکال انسان‌دوستانه و سطوح گوناگون میسر شود. اصل پرداخت کمک‌های مالی و غیرمالی جهت جذب برخی کشورها به دولت اسلامی، یا تعدیل موضع آن‌ها نسبت به کشور اسلامی و سیاست‌های آن، اصلی است که از سوی غالب فقها مورد تأیید است و به اعتقاد برخی از آنان باید از اصول سیاست خارجی اسلام به‌شمار آید. قطع نظر از اختلاف نظر در مورد دریافت‌کنندگان کمک‌های مالی و غیرمالی تحت عنوان «تألیف قلوب» یا منبع تأمین این کمک‌ها، این اصل می‌تواند اهرم مناسبی در اختیار حکومت اسلامی جهت تأمین

برخی از منافع خود باشد. در دیپلماسی معاصر نیز کمک‌های خارجی با عنوان وام یا کمک بلاعوض مالی و غیرمالی، نقش بسزایی در جذب کشورهای دیگر و تأمین همسویی یا تعدیل مواضع آنها نسبت به سیاست‌های بین‌المللی کشور پرداخت‌کننده ایفا می‌کنند. از جمله کارویژه‌های دیپلماسی حمایتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- اهداف ژئوپلیتیکی پیشدستانه مانند ایجاد متحدان برای ایران، ایجاد بازدارندگی در برابر دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به‌گونه‌ای که ایران خطر دشمنان را در پشت مرزهای خود دشمنان سد کند (بی‌نیاز، ۱۳۹۱: ۳۶۵-۳۶۸).

- ایجاد اتحاد: یک کشور باید با دیپلماسی حمایتی، دوستان و متحدانی برای خود دست‌وپا کند. این روابط دوستی و اتحاد اغلب زمینه خود را در وجود منافع مشترک پیدا می‌کند. مثلاً وجود یک دشمن مشترک می‌تواند زمینه خوبی برای ائتلاف و اتحاد دو کشور برای مقابله با آن باشد.

- تحکیم مواضع سیاسی و ایدئولوژیک: سیاست خارجی یک کشور باید منعکس‌کننده قدرت و ثبات و هماهنگی داخلی آن باشد. دیپلماسی فعال حمایتی دولت‌های دیگر را راغب می‌سازد که به‌عنوان یک شریک معتبر به کشور دارای دیپلماسی فعال روی آورند (درخشه و کمالی، ۱۳۹۵).

۴. دیپلماسی حمایتی و کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان در فاصله کوتاهی از استقلال خود با بحران‌ها و مشکلات جدی داخلی و خارجی از جمله مناقشه قراباغ با ارمنستان مواجه شد. علاوه بر آن حاکمیت ۷۵ ساله کمونیست‌ها این کشور را با مشکلات و مسائل داخلی مواجه کرده بود. در این شرایط جمهوری اسلامی ایران با توجه به اشتراکات یاد شده و با اتخاذ دیپلماسی حمایتی، درصدد کمک و مساعدت به کشور همسایه و مسلمان برآمد. دیپلماسی حمایتی و کمک‌های ایران به جمهوری آذربایجان گستره وسیعی از ابعاد سیاسی، نظامی و امنیتی، مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم، کمک‌های اقتصادی، فنی، انرژی، ارتباطات، ترانزیت و حمل‌ونقل، کشاورزی، بهداشت و درمان، فرهنگی، آموزشی و علمی و همچنین کمک‌های بشردوستانه را در بر می‌گیرد (erendor and oztarsu, 2019).

در بحث کمک‌های سیاسی ایران به جمهوری آذربایجان در ابتدا لازم به اشاره است که جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی در حمایت و روی کار آمدن حیدر علی‌اف در جمهوری





آذربایجان پس از استقلال این کشور ایفاء نمود و بعد از آن هم در دوره‌های مختلف زمانی بیشترین حمایت‌ها را از دولت و مردم جمهوری آذربایجان به عمل آورده است. حسن نیت و راهبردهای دوستانه جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان را، می‌توان در دستور کاری که در سال ۱۹۹۲ میلادی (۱۳۷۱ هجری شمسی) در جهت الزام سفارت‌خانه‌های خود به ارائه خدمات به دیپلمات‌های آذربایجانی صادر کرده بود، مشاهده کرد. در این سال‌ها با تلاش‌های ایران، جمهوری آذربایجان موفق شد به عضویت سازمان‌های منطقه‌ای نظیر سازمان اگو و برخی سازمان‌های فرامنطقه‌ای همچون سازمان همکاری‌های اسلامی پذیرفته شود. در جریان مناقشه قراباغ، که به جنگ اول قراباغ معروف است و منجر به جدایی و استقلال این منطقه خودخوانده از جمهوری آذربایجان و اشغال سرزمین‌های پیرامونی آن شد، جمهوری اسلامی ایران نقش فعالی برای حل و فصل بحران ایفا نمود. سیاست خارجی ایران در طول این مناقشه به‌خصوص در زمینه دیپلماسی چندجانبه همواره تأکید بر حفظ تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان بوده است.

در این خصوص اقدامات ایران در سازمان‌های بین‌المللی نظیر پیشنهاد قطعنامه‌هایی علیه ارمنستان در جهت حمایت از جمهوری آذربایجان در سازمان همکاری‌های اسلامی قابل ذکر است. افزون بر کمک‌های مردم و دولت ایران در حمایت از حدود ۵۰۰ هزار نفر از آوارگان جمهوری آذربایجان در جریان جنگ قراباغ، حمایت‌های نظامی ایران سبب شد از پیشروی ارامنه در خاک جمهوری آذربایجان جلوگیری شود. در این زمینه کمک‌های نظامی و مستشاری جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان و اعزام فرماندهان ایرانی به‌منظور آموزش نیروهای نظامی این کشور و همچنین کمک‌های لجستیکی و تسلیحاتی ایران قابل توجه است. قابل ذکر است تعدادی ایرانی در جریان حمایت از جمهوری آذربایجان در جنگ قراباغ شهید شدند.

افزون بر آن روابط ایران با جمهوری خودمختار نخجوان سبب شد این بخش از خاک کشور آذربایجان که ارتباط آن‌ها به‌واسطه مناقشه قراباغ از هم جدا شد از انزوا و تنگنا خارج گردد (امیری، ۱۳۸۵). می‌توان ادعان نمود این اقدام از سوی ایران مهم‌ترین و راهبردی‌ترین کمک از سوی جمهوری اسلامی ایران در مناسبات دو کشور است چراکه اغلب نیازمندی‌های نخجوان مانند سوخت، گاز، برق از طریق ایران تأمین می‌شود و هر نوع عدم اجازه ایران به استفاده از خاک خود و قطع ارتباط دو بخش جمهوری آذربایجان می‌تواند مشکلات زیادی را برای مردم نخجوان به

وجود آورد (قلی‌زاده و کفاش، ۱۳۹۳). در بخش کمک‌های اقتصادی ایران به جمهوری آذربایجان در درجه اول می‌توان به کمک‌های بلاعوضی که از سوی نهادهای خیریه و دولت جمهوری اسلامی ایران به این کشور تخصیص یافت اشاره کرد. کمیته امداد حضرت امام خمینی (ره) تا سال ۱۳۸۶ بیش از ۹۰ میلیون دلار به آوارگان قراباغی و نیازمندان آذربایجانی کمک کرده است. به‌علاوه این کمک‌ها در چند مرحله توسط دولت جمهوری اسلامی ایران نیز به جمهوری آذربایجان صورت پذیرفته است. از جمله در سال ۱۳۸۰ مبلغ دو میلیون دلار به صورت بلاعوض به دولت باکو از سوی وزارت خارجه اهدا و در اوایل دولت نهم نیز یک میلیون دلار به کشور آذربایجان پرداخت شد. به‌علاوه ایران تاکنون چندین میلیارد دلار در جمهوری آذربایجان سرمایه‌گذاری کرده است که به‌طور خلاصه می‌توان به کارخانه ساخت دارو، کارخانه خودروسازی، و همچنین مشارکت در پروژه‌های نفت و گاز جمهوری آذربایجان اشاره کرد. در زمینه فنی و تکنولوژی ایران با ایجاد واحدهای صنعتی مشترک در جمهوری آذربایجان، انتقال فناوری به این کشور را تسهیل نموده است (Paul, 2015 and shepard, 2017).

در زمینه انرژی نیز کمک در سوآپ گاز جمهوری آذربایجان به نخجوان از طریق جمهوری اسلامی ایران و همچنین مشارکت در توسعه میدان‌های گازی و نفتی جمهوری آذربایجان قابل اشاره است. همکاری در پروژه‌های مشترکی که نفع قابل توجهی از آن متوجه باکو بوده است، نظیر سد خداآفرین و قیزقلعه‌سی نیز از دیگر اقدامات ایران در روابط خود با کشور آذربایجان بوده است. در بحث کمک‌های ایران به جمهوری آذربایجان در زمینه ترانزیت و حمل‌ونقل باید توجه داشت که یکی از مشکلات جغرافیایی جمهوری آذربایجان محصور بودن در خشکی و عدم دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد است. (کانال ولگا- دن که این کشور را از طریق دریای خزر به آب‌های آزاد متصل می‌کند دارای محدودیت‌های فراوانی است). فلذا ساخت راه‌آهن قزوین- رشت- آستارا توسط ایران که جمهوری آذربایجان را از طریق خاک ایران به خلیج فارس و دریای آزاد متصل می‌سازد و در ارتباط با سایر مناطق جهان قرار می‌دهد، قابل توجه است. افزون بر آن در آستارای ایران ۳۵ هکتار زمین در اختیار شرکت راه‌آهن جمهوری آذربایجان قرار داده شده است تا در این زمین بارانداز احداث کند. علاوه بر این موارد هزینه مطالعاتی ساخت آزادراه باکو- آستارا از محل ۲ میلیون دلار کمک‌های بلاعوض جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان پرداخت شد و





شرکت ایرانی آذر - پاسیلو مطالعات آن را انجام داده است. در بحث کمک‌های ارتباطی و ترانزیتی همچنان که پیش از این نیز بیان شد ایران تنها راه ارتباط زمینی جمهوری آذربایجان با نخجوان است. اقدام ایران در برقراری ارتباط زمینی بخش اصلی جمهوری آذربایجان با جمهوری خودمختار نخجوان مهم‌ترین و راهبردی‌ترین کمک از سوی جمهوری اسلامی ایران در مناسبات دو کشور است. در زمینه کمک‌های کشاورزی ایران به جمهوری آذربایجان باید به طرح‌های خودکفایی کشاورزی که توسط کمیته امداد در سال‌های ابتدایی استقلال جمهوری آذربایجان در این کشور اجرا شد اشاره کرد. همچنین انتقال دانش فنی در حوزه کشاورزی به این کشور در طرح‌هایی نظیر طرح کشت فراسرزیمینی (تأمین آب و زمین بر عهده جمهوری آذربایجان و تأمین دانش فنی و مدیریت بر عهده طرف ایرانی) قابل ذکر است. اقدامات ایران در جهت تأمین ماشین‌آلات و مواد اولیه مورد نیاز در بخش‌های کشاورزی و دامپروری و شیلات کشور آذربایجان به‌خصوص نخجوان نیز قابل توجه است.

در خصوص کمک‌های ایران در حوزه بهداشت و درمان می‌توان به حضور بیماران آذربایجانی برای دریافت خدمات درمانی از بیمارستان‌های ایران اشاره کرد. اقدام ایران در زمینه لغو یکجانبه روادید برای شهروندان جمهوری آذربایجان و همچنین هزینه پایین و کیفیت بالای خدمات پزشکی در ایران منجر شده بسیاری از مردم آذربایجان برای درمان بیماری‌های خود به ایران مراجعه کنند. بنا به آمار رسمی در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ هجری شمسی بیش از یک میلیون شهروند آذربایجان به ایران مسافرت کرده‌اند که نزدیک به ۵۰ الی ۶۰ درصد از آنها با هدف درمان بوده است. علاوه بر آن در زمینه کمک‌های ایران به جمهوری آذربایجان در زمینه بهداشت می‌توان به ساخت کارخانه مشترک داروسازی ایران و جمهوری آذربایجان و همچنین همکاری سه دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، تبریز و اردبیل با جمهوری آذربایجان و اعلام آمادگی آن‌ها برای راه‌اندازی بیمارستانی در آن کشور و همچنین اعزام اساتید و پزشکان دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران به مراکز درمانی باکو و تبادل دانشجو به‌منظور کمک به توسعه علمی این کشور در زمینه بهداشت و درمان اشاره کرد. لازم به ذکر است پیش از این کلینیک طبی امام علی (ع) وابسته به نمایندگی کمیته امداد امام خمینی (ره) سال‌ها در جمهوری آذربایجان به ارائه خدمات رایگان بهداشتی و درمانی به شهروندان

آذربایجانی اشتغال داشت، اما به علت رویکردهای خصمانه مقامات باکو و عدم تمديد مجوز، ناچار به قطع فعالیت در آن کشور شد.

در بحث کمک‌های فرهنگی ایران، بار دیگر ریشه‌های مشترک تاریخی، فرهنگی و مذهبی ملت‌های ایران و آذربایجان مورد تأکید است. باید توجه داشت که بیش از ۹۳ درصد از مردم جمهوری آذربایجان مسلمان بوده که بیشتر آن‌ها را شیعیان تشکیل می‌دهند. از دیدگاه ایران، تمدن مشترک اسلامی - ایرانی توجیه برقراری روابط نزدیک فرهنگی با جمهوری آذربایجان است (قلی‌زاده و کفاش، ۱۳۹۳). لذا ایران تلاش نموده در این بستر برای احیای پیوندهای تاریخی، تمدنی و فرهنگی به ارائه کمک‌ها و همکاری با جمهوری آذربایجان بپردازد. در این زمینه می‌توان به توسعه مساجد، حسینیه‌ها (همچون حسینیه اهل بیت (ع) باکو)، حمایت از انتشار روزنامه «صدای اسلام» در این کشور و همچنین راه‌اندازی شبکه تلویزیونی «سحر» به زبان آذری، حمایت از نشر کتاب در جمهوری آذربایجان، ترجمه، اعزام دانشجویان آذری برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌های ایران در مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا و همچنین فراهم نمودن فرصت مطالعاتی در رشته‌های مختلف برای اساتید آذربایجانی در دانشگاه‌های ایران و از طرف دیگر اعزام اساتید ایرانی برای آموزش معلمان آذری به جمهوری آذربایجان، گسترش ارتباط میان شعرا و نویسندگان ایرانی و آذربایجانی و اعزام گروهی از هنرمندان آذربایجانی به جشنواره‌های ادبی در ایران اشاره کرد. علاوه بر آن در تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۰۶ تالار روابط فرهنگی - علمی ایران و آذربایجان با هدف کمک به توسعه هرچه بیشتر روابط علمی و فرهنگی، مبادلات علمی و نشر معارف بین دو کشور در باکو افتتاح شده است.

در حوزه سینما نیز همکاری‌ها در ساخت فیلم‌های سینمایی و برگزاری روزهای سینمای ایران در جمهوری آذربایجان و دوبله فیلم و سریال‌های ایرانی در این کشور و همچنین همکاری در زمینه تئاتر و کمک به هنرمندان آذری برای نمایش هنر و توانایی‌های خود قابل ذکر است. در این مورد می‌توان به تئاتری به نام «بختور» اشاره کرد که به کارگردانی و تهیه‌کنندگی از طرف ایران و ایفای نقش هنرمندان آذری بوده و در نوروز ۱۳۹۶ به‌نمایش در آمد. در زمینه کمک‌های بشردوستانه ایران به جمهوری آذربایجان همان‌طور که اشاره شد جمهوری اسلامی ایران در ابتدای استقلال این کشور و درگیر شدن در جنگ قراباغ به بیش از ۵۰۰ هزار نفر آواره آذربایجانی جنگ





در خاک خود پناه داد و هلال‌احمر در شهرستان‌های بیله‌سوار، ساعتلی و صابرآباد هشت اردوگاه مسکونی برای آن‌ها ایجاد نمود. همچنین ارائه خدمات بیمارستانی به مجروحان نظامی و غیرنظامی جنگ قراباغ و تأمین نیازهای بهداشتی، درمانی، دارویی و غذایی آن‌ها از جمله اقدامات بشردوستانه ایران در قبال مردم جمهوری آذربایجان بوده است. علاوه بر آن کمیته امداد امام خمینی (ه) که از سپتامبر ۱۹۹۳ فعالیت خود را در جمهوری آذربایجان آغاز کرد در مدت بیست سال فعالیت خود تا سال ۲۰۱۳ به ایجاد اشتغال، تهیه مسکن، کمک به تحصیل، ازدواج جوانان و درمان مردم این کشور اشتغال داشت. تنها کلینک طبی امام علی (ع) در مدت پنج سال فعالیت خود در کشور آذربایجان به بیش از پانصد هزار نفر در زمینه‌های مختلف خدمات پزشکی رایگان داده است.

۵. ابعاد مختلف دیپلماسی حمایتی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان

ابعاد مختلف دیپلماسی حمایتی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان را می‌توان در ۲۱ مقوله اصلی بیان کرد.

۱-۵. ورود رسمی به عرصه میانجی‌گری و انجام گفتگوهای صلح با محوریت تهران

اولین اقدام جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با مناقشه قراباغ تلاش‌های میانجی‌گرایی بود. در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی و در اوج بی‌ثباتی جمهوری آذربایجان، بنا به درخواست مسئولین وقت این کشور، ایران به‌عنوان میانجی صلح وارد عرصه شد و گفتگوهای صلح با محوریت تهران بین مسئولین جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان به انجام رسید. این مذاکرات تا تابستان ۱۳۷۱ هجری شمسی تداوم داشت. مدتی پس از پایان مذاکرات صلح تهران، گروه مینسک شورای امنیت و همکاری اروپا تشکیل شده و امر میانجی‌گری را عهده‌دار شد.

۲-۵. اعزام نیروهای پاسدار صلح در راستای مناقشه قراباغ

همزمان با آغاز مذاکرات صلح با محوریت تهران، نیروهای پاسدار صلح از کشورمان به منطقه اعزام و در چند نقطه حائل مستقر شده و بر روند اجرای مذاکرات صلح نظارت داشتند.

۳-۵. اعزام مستشار نظامی به جمهوری آذربایجان

با عنایت به مشکلات و بحران‌های سیاسی پی‌درپی داخلی در جمهوری آذربایجان و از هم پاشیدگی ارتش این کشور، بنا به درخواست حاکمان وقت این کشور، از طرف ایران گروهی از مستشاران نظامی به این جمهوری اعزام شده و با راه‌اندازی دو پادگان آموزشی در باکو و ماسالی (در جنوب

دیپلماسی حمایتی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان... ۷۷

این کشور)، امر سازماندهی و آموزش نیروهای آذری را عهده‌دار شدند. این نیروها از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ در آذربایجان رسماً حضور داشته و به امر مستشاری دفاعی و آموزشی اشتغال داشتند.

۴-۵. ارسال مایحتاج دفاعی به جمهوری آذربایجان

با توجه به نیازمندی جمهوری آذربایجان به اقلام دفاعی و خلاء شدید اقلام دفاعی در نیروهای آذری، بنا به درخواست مسئولین وقت این جمهوری، اقلام دفاعی به استعداد ده‌ها میلیون دلار از طرف ایران به این کشور ارسال شد. البته همکاری‌های دفاعی دو کشور از آن تاریخ تا به امروز هم تداوم دارد.

۵-۵. فعالیت هلال احمر ایران و در ادامه تأسیس دفتر این نهاد در باکو برای کمک به آوارگان قراباغ

در سال ۱۳۷۲ و همزمان با اوج جنگ اول قراباغ، هلال احمر ایران با ایجاد ۸ اردوگاه در مناطق همجوار با مناطق اشغالی قراباغ در خاک جمهوری آذربایجان، با نام حضرت امام رضا (ع) به مدت سه سال اقدام به ارائه امداد برای زندگی و معیشت صدها هزار آواره آذری ساکن در این ۸ اردوگاه نمود. در ادامه نیز دفتر و درمانگاه هلال احمر در باکو راه‌اندازی شده و اقدام به ارائه خدمات به آوارگان نمود. این ارائه خدمات تا سال ۱۳۹۳ تداوم داشتند. در مجموع در طی این سال‌ها حجم کمک‌های این نهاد به آوارگان قراباغی رقمی بالغ بر یکصد میلیون دلار بوده است.

۶-۵. تأسیس دفتر کمیته امداد امام خمینی (ره) در باکو برای کمک به آوارگان قراباغ

در سال ۱۳۷۲ نمایندگی رسمی کمیته امداد حضرت امام (ره) با هدف کمک به آوارگان مسلمان قراباغی راه‌اندازی شده و تا سال ۱۳۹۲ که به فعالیت این دفتر بنا به درخواست طرف آذری پایان داده شده، به مدت ۲۰ سال این نهاد امدادی به بیش از ۵۰۰ هزار آواره در نقاط مختلف جمهوری آذربایجان کمک نموده است. حجم کمک‌های ۲۰ ساله این نهاد به آوارگان قراباغی رقمی بالغ بر یکصد میلیون دلار بوده است.

۷-۵. ایجاد و اختصاص کریدور هوایی و زمینی باکو نخجوان از ایران

با شدت یافتن جنگ قراباغ و به دلیل قطع کامل ارتباط زمینی و هوایی بین جمهوری خودمختار نخجوان با آذربایجان، به مدت چند سال کریدور هوایی و به مدت ۲۷ سال نیز کریدور زمینی جهت تردد کامیون‌های حامل مواد غذایی و مایحتاج بین نخجوان و آذربایجان توسط ایران، اختصاص داده شده است. برابر آمار موجود بعضاً روزانه از ۱۵۰ تا ۴۵۰ دستگاه کامیون و تریلر بین نخجوان





و آذربایجان در تردد بوده است. این امر و امکان اختصاص یافته خود عامل بسیار مهمی برای جریان حیات و زندگی در نخجوان بوده و حجم بالایی را به لحاظ ارزش مالی شامل می‌شود.

۵-۸. تأمین منابع انرژی مورد نیاز جمهوری خودمختار نخجوان

از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۸۱، ایران بالغ بر ۵۵ میلیون دلار برق برای معیشت اهالی نخجوان عملاً هدیه داده و از پس از این سال تا به امروز نیز جریان برق و گاز جمهوری خودمختار نخجوان به صورت تهاوتر از طریق ایران تأمین می‌شود که به تنهایی حجم بالایی را به لحاظ ارزش مالی شامل می‌شود.

۵-۹. تسهیل در تردد و استقرار مجاهدین افغانستانی در قراباغ

با شدت یافتن نبرد در جبهه‌های قراباغ در سال‌های ۷۲-۱۳۷۱ با هماهنگی ایران پنج هزار نفر از مجاهدین افغان برای کمک به نیروهای نظامی جمهوری آذربایجان در جبهه‌های قراباغ مستقر شدند و حضور آنها تا سال ۱۳۷۳ نیز تداوم داشت.

۵-۱۰. مساعدت‌های استان‌های شمال غربی به جمهوری آذربایجان

در ابتدای فروپاشی اتحاد شوروی سابق و استقلال جمهوری آذربایجان، از سوی وزارت کشور ایران به مدت ۶ سال چهار استان همجوار و واقع در شمال غربی ایران مأموریت داشتند تا به صورت ویژه کمک‌های انسان دوستانه با محوریت آوارگان قراباغی، به آذربایجان و نخجوان ارسال نمایند. این کمک‌ها از ارسال مایحتاج مصرفی آوارگان گرفته تا احداث نانوائی و ارسال آرد بوده است. این کمک‌ها از محل بودجه‌های استانی هزینه شده و حجم آن بیش از دویست میلیون دلار بوده است.

۵-۱۱. ارائه کمک‌های توسعه‌ای

این کمک‌ها از طرف وزارت امور خارجه و برای توسعه زیرساخت‌ها در جمهوری آذربایجان بوده و در اموری نظیر جاده‌سازی، ساختمان‌سازی، پژوهش، اسکان آوارگان جنگی و امثال آن، اختصاص و هزینه شده است.

۵-۱۲. کمک به مقابله با قحطی در اوایل دولت حیدر علی‌اف

در سال ۱۳۷۳ و در اوایل روی کار آمدن حیدر علی‌اف در جمهوری آذربایجان، بنا به درخواست ایشان از مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران، مبلغی بالغ بر ۵ میلیون دلار آرد برای کمک به رفع قحطی و تأمین نان مصرفی مردم آذربایجان و نخجوان به این مناطق ارسال شده است.

۵-۱۳. کمک‌ها در حوزه انرژی

از زمان اتحاد جماهیر شوروی سابق، ایران به جمهوری آذربایجان گاز صادر می‌کرد که این روند علی‌رغم فروپاشی اتحاد شوروی، تا پس از استقلال نیز تا مدتی تداوم داشته و هزینه‌های آن نیز محاسبه نشده است.

۵-۱۴. کمک‌های فرهنگی

با توجه به مسلمان بودن اکثریت مردم جمهوری آذربایجان و با عنایت به فضای رهایی از نظام کمونیستی، کمک‌های فرهنگی ایران (ارسال قرآن و کتب دینی و مذهبی) بنا به درخواست مردم و اهالی این جمهوری، ارسال شده که حجم این کمک‌ها بسیار قابل توجه است.

۵-۱۵. فعالیت نماینده ویژه ایران در امور قراباغ

از ابتدای استقلال آذربایجان و همزمان با شروع مناقشه قراباغ به مدت حدود ۱۳ سال نماینده ایران در امور قراباغ تعیین و به منطقه تردد می‌کرده است. عمده مأموریت‌های این نماینده‌ها، موضوع برقراری آتش‌بس و ایجاد حسن همجواری با همسایگان شمالی ایران بوده است.

۵-۱۶. شهدای ایرانی در قراباغ

جدای شهدایی که گروه مستشاری دفاعی ایران در قراباغ داشته است، به واسطه هدف قرار گرفتن یک فروند هواپیمای حامل مسافران ایرانی در حال عزیمت از مسکو به تهران توسط ارامنه قراباغ، ده‌ها نفر از اتباع ایرانی و خانواده‌های آن‌ها نیز بدین شکل به شهادت رسیده‌اند.

۵-۱۷. حمایت تهران از آذربایجان در سازمان ملل

پس از توقف پروژه میانجی‌گری ایران در مناقشه اول قراباغ در سال ۱۳۷۱ تا به امروز، گروه مینسک شورای امنیت و همکاری اروپا عهده‌دار امر میانجی‌گری بوده است. در این راستا حدود ۲۸ سال است که در راستای دیپلماسی حمایتی، هر ساله در صحن مجمع عمومی سازمان ملل در ماه دسامبر هر سال میلادی، دو رأی‌گیری در مورد قراباغ انجام می‌شود؛ یکی پیرامون تمدید سالیانه مأموریت میانجی‌گری گروه مینسک از طرف سازمان ملل در مورد قراباغ و دوم لایحه پیشنهادی جمهوری آذربایجان، مبنی بر اینکه قراباغ در چارچوب قلمرو سرزمینی جمهوری آذربایجان قرار دارد. طی این سال‌ها هر ساله دو رأی و جمعاً ۵۶ رأی مثبت از طرف ایران به نفع کشور آذربایجان در خصوص موضوع قراباغ داده شده است. این در حالی است که بسیاری از کشورهای به ظاهر دوست غربی و صهیونیستی جمهوری آذربایجان به این دو لایحه رأی ممتنع و یا منفی داده‌اند.





همچنین سال‌ها است که جمهوری آذربایجان در قبال بسیاری از رأی‌گیری‌ها در سازمان ملل و نهادهای تابعه در قبال ایران یا غیبت نموده و اصلاً حاضر به رأی دادن نشده و یا اینکه رأی ممتنع داده است و در حداقل موارد شاهد رأی مثبت آن‌ها بوده‌ایم.

۵-۱۸. حمایت تهران از جمهوری آذربایجان در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای

حمایت مستمر ایران از مواضع جمهوری آذربایجان در قبال قراباغ طی این سال‌ها در تمامی سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله سازمان همکاری‌های اسلامی (سازمان کنفرانس اسلامی سابق) و جنبش عدم تعهد و ...، که همواره و به‌عنوان یک روند در سه دهه اخیر تداوم داشته است.

۵-۱۹. کمک‌های رسانه‌ای به جمهوری آذربایجان

در طی ۳۰ ساله اخیر کتاب‌های بسیاری در ایران به نفع جمهوری آذربایجان ترجمه و چاپ شده است. مراسم مختلفی از برگزاری شب شعر تا مراسم بزرگداشت و همایش در تهران و استان‌ها در مورد قراباغ، و اینکه جزو سرزمین جمهوری آذربایجان و یا بخشی از سرزمین اسلام است، برگزار شده است.

۵-۲۰. حمایت تریبون‌های رسمی و مردمی ایران از جمهوری آذربایجان

در سی ساله اخیر همه تریبون‌های رسمی و مردمی جمهوری اسلامی ایران، از مسئولین رسمی گرفته تا تریبون‌های نماز جمعه، از مواضع جمهوری آذربایجان در قبال قراباغ حمایت نموده‌اند.

۵-۲۱. سرمایه‌گذاری کلان بخش‌های دولتی و خصوصی ایران در جمهوری آذربایجان

در سی ساله اخیر اتباع ایران و بخش‌های مختلف دولتی و غیر دولتی جمهوری اسلامی ایران چندین میلیارد دلار در جمهوری آذربایجان سرمایه‌گذاری کرده‌اند که به‌طور خلاصه می‌توان به ساخت کارخانه‌های مختلف و مجتمع‌های بزرگ تولیدی در بخش‌های: تولید دام و طیور، تولید مرغ و تخم‌مرغ، تولید ماهی، تولیدات کشاورزی و مرکبات، ساخت دارو، کارخانه خودروسازی، جاده‌سازی و راه‌سازی، ساخت راه‌آهن، ساختمان‌سازی، مسکن‌سازی، تولید برق و انرژی و همچنین مشارکت در پروژه‌های نفت و گاز جمهوری آذربایجان، مشارکت در حوزه‌های مختلف فنی و مهندسی، مخابرات، پزشکی و درمانی و ... اشاره کرد. به‌طوری که به جرأت می‌توان گفت یک پایه اصلی اقتصاد و حیات جمهوری آذربایجان در سی ساله اخیر دولت و اتباع ایران بوده‌اند.

۶. علل تلاش‌های حاکمان آذربایجان برای کتمان دیپلماسی حمایتی و کمک‌های ایران
با توجه به موارد یاد شده، دیپلماسی حمایتی و گستره کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان ابعاد گوناگونی را در بر گرفته و در این رابطه جمهوری اسلامی ایران از هیچ تلاشی برای کمک به کشور همسایه در راستای بهبود روابط برپایه حسن همجواری و اعتماد متقابل فروگذاری نکرده است. با این وجود حکومت‌هایی که از بدو استقلال تاکنون در جمهوری آذربایجان برسرکار آمده‌اند، همواره درصدد ایجاد فضایی ضدایرانی در داخل و خارج از مرزهای جمهوری آذربایجان بوده‌اند. آن‌ها همواره تلاش کرده‌اند با اتهام‌زنی‌ها و بیان مطالب غیر واقع از جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان «دیگری» برای شکل‌دهی به هویت خود استفاده نموده و با مخفی کردن و کم اهمیت جلوه دادن دیپلماسی حمایتی و ابعاد کمک‌های جمهوری اسلامی ایران، تصویری متخاصم از آن برای مردم جمهوری آذربایجان ترسیم کنند. ابوالفضل علی‌اف (معروف به ایلچی بیگ) که در سال ۱۹۹۲ میلادی بر سرکار آمد، تبلیغات شدید ضدایرانی را در دستور کار قرار داد و ایران را به ارائه کمک‌های تسلیحاتی و نظامی به ارمنستان متهم کرد. در حالی که سیاست خارجی ایران در این دوره تأکید بر حفظ تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و دعوت به مذاکره و توصیه به حل مسائل بود. وی با بیان اندیشه‌های پان‌ترکیسم آشکارا از تجزیه ایران سخن می‌گفت و به‌صورت علنی خواستار کمک آمریکا برای تشکیل (به‌اصطلاح) حکومت آذربایجان بزرگ بود.

پس از روی کار آمدن حیدر علی‌اف در سال ۱۹۹۳ سیاست خارجی آذربایجان بر مبنای گرایش هرچه بیشتر به غرب تداوم یافت. پیوستن به طرح مشارکت برای صلح ناتو، عضویت در شورای اروپا و رویارویی با جنبش‌های اسلام‌گرا از جمله مواردی بود که منجر به سردی هرچه بیشتر روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان شد. با این وجود حیدر علی‌اف در سال‌های پایانی ریاست‌جمهوری خود به این اشتباه پی برد و درصدد بهبود روابط با ایران برآمد. اتخاذ این رویکرد از سوی او نوعی ناامیدی از دریافت کمک‌های کشورهای غربی به جمهوری آذربایجان بود. با به قدرت رسیدن الهام علی‌اف از حزب آذربایجان نوین در سال ۲۰۰۳ روند گرایش و اتحاد با غرب دوباره سرعت بیشتری گرفت و تا به امروز نیز ادامه داشته است.





با توجه به مواردی که ذکر آن رفت جمهوری آذربایجان همواره تلاش کرده است ایران را به‌عنوان بزرگترین تهدید امنیتی خود برای افکار عمومی در داخل و خارج از آذربایجان معرفی کند و با ایجاد روایت‌های ساختگی و کتمان کمک‌های جمهوری اسلامی درصدد بوده با اتهام زنی به ایران در خصوص جانبداری از ارمنستان در جریان مناقشه قراباغ و همچنین تلاش برای نفوذ و مداخله در این کشور و حمایت از گروه‌های اسلام‌گرای افراطی به پیشبرد مقاصد خود بپردازد. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران از هیچ تلاشی برای کمک و ایجاد رابطه‌ای برپایه حسن همجواری و اعتماد متقابل در قبال جمهوری آذربایجان فروگذاری نکرده است.

از جمله علل تلاش‌های حاکمان جمهوری آذربایجان برای کتمان ابعاد دیپلماسی حمایتی و کمک‌های ایران به این جمهوری در طی سه دهه اخیر، می‌توان به این موارد اشاره نمود:

۱. همراهی و همسویی حاکمان آذری با نظام سلطه و استکبار جهانی.
۲. روند غرب‌گرایی در جمهوری آذربایجان و پیوستن این کشور به نقشه سیاسی اروپا.
۳. همراهی و همسویی حاکمان آذری با رژیم صهیونیستی و ائتلاف عملی با آن‌ها در برخی منافع مشترک.
۴. اسلام‌ستیزی حاکمان و سعی در استقرار نظام لائیک و سکولار در این جمهوری.
۵. اجرایی منویات دیکته شده توسط اربابان آمریکایی، صهیونیستی و غربی.
۶. برخلاف اظهارات زبانی، ایران‌هراسی و ایران‌ستیزی عملی حاکمان در جمهوری آذربایجان.
۷. برخلاف اظهارات زبانی، اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی عملی حاکمان در جمهوری آذربایجان، البته منظور اسلام و شیعه با مدل ایران و برگرفته از اسلام اصیل و راستین است، نه اسلام الحادی و یا شیعه لندن.
۸. در طی سه دهه اخیر اکثریت حاکمان در جمهوری آذربایجان سعی داشته‌اند تا ضمن همراهی با آمریکا و جریان صهیونیسم جهانی، در افکار عمومی خود با تبلیغات ضد ایرانی به انحاء و با موضوعات مختلف باعث ایجاد چالش بین مردم این کشور با ایران شوند. این حاکمان تحت فضای القایی غربی‌ها، از گرایش مردم کشورشان به ایران واهمه شدید دارند.

دیپلماسی حمایتی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان... ۸۳

۹. پشتیبانی از تفکر و جریان‌ات پان‌ترکیستی و پان‌آذریستی برای بالا نگه‌داشتن فضای تقابلی در برابر ایران در عرصه افکار عمومی مردم، با حمایت و پشتیبانی ترکیه، انگلستان، آمریکا و رژیم صهیونیستی.

۷. نتیجه‌گیری

طی سه دهه گذشته و از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ابتدای استقلال جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۱ تاکنون، جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ دیپلماسی حمایتی در قبال این جمهوری در تمامی ایام و به‌ویژه روزهای سخت و بحرانی اوایل استقلال، و بالاخص جنگ قراباغ، با ارائه کمک‌های وسیع در گستره و ابعاد گوناگون در کنار جمهوری آذربایجان و مردم مسلمان این کشور بوده است. این حضور، حمایت‌ها و کمک‌ها در سالیان متمادی تداوم داشته و منشأ اثر بسیاری بوده است و به جرأت می‌توان گفت هرگز از خاطره و حافظه تاریخی مردم مسلمان این جمهوری پاک نخواهد شد. متأسفانه در طی این مدت، برخی حاکمان این جمهوری، بنا به دلایل مختلف سیاسی و اعتقادی و ملهم از مسایل داخلی و یا متأثر از دشمنان خارجی روابط دو کشور، با نادیده گرفتن دیپلماسی حمایتی ایران و گستره این حضور، کمک‌ها و خدمات ارائه شده، همواره و در عرصه عمل، بر جنبه‌های منفی این حضور اشاره و تأکید داشته و با مهندسی افکار عمومی سعی در بزرگنمایی موارد چالش‌زا و کاستی‌ها داشته‌اند. بنابراین مناسب است تا شبکه‌های برون‌مرزی رسانه ملی با اتخاذ راهبرد رسانه‌ای مدون، با آشکارسازی ابعاد سی ساله این روند برای افکار عمومی هر دو کشور و آثار بسیار مثبت اتخاذ دیپلماسی حمایتی جمهوری اسلامی ایران و نقش ایرانی‌ها در شکل‌گیری جمهوری آذربایجان و آبادانی و پیشرفت آن، به شفاف‌سازی اقدامات آشکار و پنهان معاندین و دشمنان در روابط دو کشور اقدام نمایند.

۸. پیشنهادهای رسانه‌ای

۱. ساخت برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی با محوریت ابعاد و گستره حمایت‌ها و کمک‌های سی ساله جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان، به‌ویژه در عرصه دوران پس از فروپاشی و موضوع کمک به آوارگان مسلمان قراباغ. پیشنهاد می‌شود، برای پخش در شبکه‌های برون‌مرزی





صداوسیما در این برنامه‌سازی‌ها به دیپلماسی حمایتی و ابعاد حمایت‌ها و کمک‌های نهادهایی همچون «کمیته امداد امام (ره)، هلال احمر و... پررنگ‌تر اشاره شود. تأکید شود که ایران هیچگاه مسلمانان آذری را در شرایط سخت و دشوار فراموش نکرده و همواره یاریگر آنها بوده است.

۲. ساخت برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی با محوریت ابعاد و گستره حضور، حمایت‌ها و خدمات سی ساله جمهوری اسلامی ایران و ایرانی‌ها در جمهوری آذربایجان و کمک آن‌ها به رشد و توسعه این کشور، برای پخش در شبکه‌های برون مرزی صداوسیما در بخش آذری، تالش، ترکی، روسی. در این برنامه‌سازی‌ها به ابعاد مختلف حضور و ایران و ایرانی‌ها اشاره و تأکید شود که دولت و ملت ایران همواره و در شرایط سخت و دشوار در کنار جمهوری آذربایجان بوده‌اند.

۳. ساخت برنامه‌هایی تلویزیونی و رادیویی برای پخش در شبکه‌های برون مرزی صداوسیما با محوریت اهمیت راهبردی حوزه جغرافیایی منطقه قفقاز جنوبی و سه کشور مستقل پدید آمده در آن (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) و سه منطقه خودخوانده جینی متولد یافته در سی ساله اخیر در آن (قرباغ، آبخازیا و اوستیای جنوبی)، با محوریت جمهوری خودخوانده قرباغ، به‌ویژه در شبکه‌های تلویزیونی، اهمیت بالایی دارد.

۴. بیان تاریخچه‌ای از تحرکات امپراتورهای روسیه تزاری، شوروی کمونیستی، عثمانی و فدراسیون روسیه فعلی، و نگرش آن امپراتوری‌ها به این حوزه، مهم و مفید است. البته باید پیوستگی تمدنی و تاریخی این منطقه به ایران اسلامی بسیار برجسته شود.

۵. بیان تاریخچه‌ای از ابعاد مهم جمهوری آذربایجان و رقابت برخی قدرت‌ها بر سر تسلط بر منابع انرژی آن. استفاده از نظرات کارشناسان برجسته حقوق بین‌الملل، در ساخت برنامه‌های مرتبط با موضوع قفقاز، قرباغ و مناقشات در جریان و حتی بهره‌برداری از حوزه انرژی و کردیورهای منطقه، توصیه می‌شود.

۶. ساخت برنامه‌هایی تلویزیونی و رادیویی برای پخش در شبکه‌ها و رسانه‌های برون مرزی صداوسیما، با محوریت آگاه‌سازی افکار عمومی از اقدامات مخرب کشورهای معاند فرمانطقه‌ای، به‌ویژه آمریکا، رژیم صهیونیستی و انگلستان، برای ایجاد چالش و فاصله بین حاکمان آذربایجان و ایران و همچنین مردم دو کشور توصیه می‌شود. در این برنامه‌ها باید تحرکات صهیونیست‌ها را پررنگ نمود. در این زمینه برخی حاکمان جمهوری آذربایجان را که در زمره مخالفین عملی روابط

دو کشور هستند، غیرمستقیم در برنامه‌های تولیدی نقد نموده و باید آن‌ها را تحت تأثیر قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جریان صهیونیسم جهانی معرفی نمود.

۷. حل معضلات و اختلافات مرتبط با قراباغ، یک روند پیچیده و زمان‌بر است و باید در بحث در مورد میانجی‌گری گروه مینسک شورای امنیت و همکاری اروپا، به بی‌فایده بودن مذاکرات از طریق گروه مینسک اشاره شده و تنها راه‌حل برطرف شدن مناقشات، تکیه بر همکاری‌ها و گفتگوهای منطقه‌ای و با حضور کشورهای منطقه و همسایه برجسته شود.

۸. از بیان تلاش‌های کشورهای فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا، رژیم صهیونیستی، انگلستان و عربستان، و کلاً جریان استکبار و صهیونیسم جهانی در عرصه رسانه و افکار عمومی مردم دو کشور، منطقه و جهان، در ترویج افکار و جریان‌ات تجزیه‌طلبانه و قوم‌گرایانه به‌خصوص موضوع پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم، برای ایجاد چالش بین جمهوری آذربایجان و ایران برای بهره‌برداری و افزودن بر آتش اختلافات بین دو کشور و دو ملت، غفلت نشود.

۹. به محوریت تمدن ایرانی-اسلامی در قفقاز با ذکر پیشینه تاریخی و با در برگیری همه مذاهب و اقوام توجه جدی شود. فقط به مسلمانان اشاره نشود، بلکه همه اقوام قفقاز مورد اشاره قرار گیرند. با توجه به تنوع فرهنگی و قومی حوزه جغرافیایی منطقه قفقاز، بهتر است که به اهمیت فرهنگ و تمدن کهن ایرانی نیز در این حوزه اشاره شود و به‌عنوان مثال «آئین‌های مشترک نوروزی، آداب و رسوم مشترک مردمی، جاذبه‌های طبیعی، توریستی، دینی، فرهنگی، غذایی و ورزشی کشورمان» مورد اشاره قرار گیرند.

۱۰. تمدن ایرانی در قفقاز امروزمین، نقش مهمی در پیشرفت و تطور ملت‌های آن ایفا کرده و اشاره به این نکته از این جهت اهمیت دارد که پس از فروپاشی و در سی ساله اخیر کشورهای غربی با تلاش استعمارگرانه سعی دارند تمدن ایرانی را در این منطقه به انحای مختلف کمرنگ کنند. موقعیت بین‌قاره‌ای منطقه قفقاز و ایران و همجواری تمدن‌ها، ادیان و ملیت‌ها در غرب دریای خزر، می‌تواند دریای خزر را به حوزه‌ای برای همگرایی، صلح، ارتباط و تعامل، تبدیل کند.

۱۱. ضمن تبیین نقش ثبات‌ساز ایران در قفقاز در سده‌های گذشته و تاریخ معاصر، پیامدهای منفی هرگونه تلاش برخی از بازیگران منطقه‌ای جهت تغییر مرزهای بین‌المللی در قفقاز از زبان



کارشناسان تشریح و تأکید شود که مطابق با قواعد آمره حقوق بین‌الملل، ایران اجازه هیچ‌گونه تغییر جغرافیای مرزهای بین‌المللی در قفقاز را نخواهد داد.



منابع و مأخذ

- احمدی، حسین (۱۳۹۳)، **جمهوری آذربایجان ۲۳ سال تکاپو برای دولت ملت سازی**، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- ام‌البنین، چابکی (۱۳۸۸)، «چالش‌های روابط ایران و جمهوری آذربایجان»، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، تابستان و پاییز، شماره ۴، صص ۸۴-۶۳.
- امیدی، علی و مصطفی خیری (۱۳۹۵)، «تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، پاییز، سال نوزدهم، شماره سوم، صص ۱۵۸-۱۳۷.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴)، **روابط ایران و جمهوری آذربایجان**، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- امیری، مهدی (۱۳۸۵)، «بررسی روابط ایران و جمهوری آذربایجان در قرن بیستم»، **مجلس و راهبرد**، زمستان ۱۳۸۵، شماره ۵۳، صص ۲۳۹ تا ۲۷۹.
- باقری، سعید (۱۳۸۹)، **مجموعه اسناد سازمان ملل در رابطه با مناقشه قراباغ**، تهران: اندیشه نو.
- بی‌نیاز، علی (۱۳۹۱)، **دیپلماسی حمایت‌گرا و دولت کریمه منطقه‌ای**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ترابی اقدم، محمود و محمد اخگری (۱۳۹۷)، «نقش رادیو برون مرزی آذری در تبیین تاریخ مشترک ایران و جمهوری آذربایجان»، **نشریه علمی مطالعات تاریخ فرهنگی**، سال نهم، شماره ۳۵، صص ۵۰-۲۷.
- جوادی‌ارجمند، محمدجعفر؛ حبیب رضازاده، و سعیده حضرت‌پور (۱۳۹۳)، «بررسی علت‌های سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان»، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، بهار و تابستان، دوره ۷، شماره ۱، صص ۸۰-۵۷.
- درخشه، جلال و علی کمالی (۱۳۹۵)، «بازنمایی کنش حمایت‌گرانه در آینه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال ششم، شماره اول، بهار، صص ۵۴-۲۹.
- قلی‌زاده، سیدابراهیم و محمدرضا کفاح‌جمشید (۱۳۹۲)، «فرصت‌ها و چالش‌های عمق بخشی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان»، **فصلنامه سیاست دفاعی**، بهار، شماره ۸۶، صص ۱۷۲-۱۳۹.
- کازمی، احمد (۱۳۸۵)، «**پان ترکیسم و پان آذریسم**» (مبانی، اهداف و نتایج)، تهران: ابرار معاصر تهران.
- متقی، افشین؛ عارف بیژن و سجاد نجفی (۱۳۹۴)، «حضور نظامی آمریکا در جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، بهار، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۱۳۸-۱۰۹.
- نعلبندی، مهدی (۱۳۸۸) «جایگاه ایران در سازمان رسانه، فرهنگ و هنر رسمی جمهوری آذربایجان»، **فصلنامه مطالعات ملی**، پاییز، شماره ۳۹، صص ۸۰-۵۷.
- واحدی، الیاس (۱۳۸۲)، **برآورد استراتژیک آذربایجان (جلد اول: سرزمینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی)**، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر.

دیپلماسی حمایتی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان... ۸۷

واحدی، الیاس (۱۳۸۵). **برآورد استراتژیک آذربایجان (جلد دوم: اقتصادی - نظامی)**. تهران: انتشارات موسسه ایرار معاصر.

واعظی، محمود (۱۳۸۸)، **میانجیگری در آسیای مرکزی و قفقاز تجربه جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

مصاحبه‌ها

انجام مصاحبه عمیق با برخی از کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه قفقاز و جمهوری آذربایجان.

Erendor, Mehmet Emin and öztarsu, Mehmet Fatih (2019), "Iranian relations with Azerbaijan and Armenia: a comparative approach in the case of pragmatist politics", **March, Abant İzzet Baysal Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi**, 19 (1): pp.157-176.

Paul, A (2015), "Iran's Policy in the South Caucasus: Between Pragmatism and Realpolitik, In the South Caucasus between Integration and Fragmentation", **Strateji Araştırmaları Merkezi**, Available at: http://www.epc.eu/documents/uploads/pub_5598_the_south_caucasuslow_res.pdf?doc_id=1616.

Shepard, W (2017), "Watch Out, China: India Is Building A 'New Silk Road Of Its Own'", **Forbes**, Available at: <https://www.forbes.com/sites/wadeshepard/2017/06/28/watch-out-china-india-is-building-anewsilk-road-of-its-own/#79a60da2a90e>.

